

ارزیابی وجود عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

جهاندار امیری^۱

چکیده

عقلانیت ارتباطی، وضعیتی از ارتباط و مفاهمه است که بدون دخالت و نظارت نهادهای دولتی و برآمده از قدرت با گفتگوی انتقادی و سازنده، به فهم منافع و خیر مشترک منتج می‌شود. فقدان سلطه، اجبار، وجود اختیار و آزادی، عملیاتی شدن از طریق زبان و مبتنی بودن بر فرهنگ و اخلاق از پیش شرط‌های عقلانیت ارتباطی است. هدف این پژوهش، بررسی و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی است که آیا بر آن‌ها، عقلانیت ارتباطی حاکم است یا موارد و مظاهر غیرعقلانی در آن‌ها بیشتر از عقلانیت است؟ روش انجام پژوهش، مصاحبه عمیق با رویکرد گراند تئوری است که نتایج در مراحل مختلف به اساتید و کارشناسان آگاه به موضوع، ارجاع داده شده است. بر اساس یافته‌ها، عملکرد شبکه‌های اجتماعی بر مبنای مؤلفه‌های عقلانیت ارتباطی و پیش شرط‌های آن، تأیید نشده و مواردی همچون ایجاد دسترسی، محدودیت و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی توسط دولت‌ها، وجود اخبار جعلی، فریبکاری، شایعه، جاسوسی و کاربرهای فاقد هویت یا با هویت جعلی، استفاده تروریست‌ها و کلاهبرداران از شبکه‌های اجتماعی، تشویق به خودکشی، ناامنی، بحران‌زایی و ناهنجاری‌های اخلاقی، رویکردهای احساسی، هیجانی، حاشیه‌ای و پوپولیستی به جای استدلال‌های منطقی، افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی، تعصب‌های قبیله‌ای و قومی، استفاده از فن‌های جنگ روانی و تبلیغاتی، سیاست‌زدگی، قطبی‌گرایی و استفاده‌های ابزاری دلیلی بر نتیجه ذکر شده است.

واژگان کلیدی

حوزه عمومی، عقلانیت ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی، جامعه شبکه‌ای.

مقدمه

توسعه روزافزون زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، افزایش کاربران و استفاده‌کنندگان از اینترنت و سایر فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی و مخابراتی نظیر خطوط تلفن‌های ثابت و همراه، شبکه‌های دیتای کشوری و محلی، ارتباطات ماهواره‌ای که روز به روز فراگیرتر می‌شود (Mcknight, 2006: 29-44) به همراه افزایش روزافزون استفاده از شبکه‌های مجازی، در بیشتر حوزه‌های زندگی تغییرات اساسی ایجاد کرده است. به‌رغم نگاه مثبت و غالب به این تحولات که به توسعه آزادی، دموکراسی، مشارکت و رهایی از انواع سلطه کمک می‌کند، برخی به جوانب منفی آن توجه کرده و آن را نوع جدیدی از سلطه فناوری و سازوکارهای مدرن رسانه‌ای می‌دانند. مثال تأییدکننده این دیدگاه، دادگاه جنجالی و پرسروصدای شبکه اجتماعی چینی تیک‌تاک در مجلس آمریکا بود که بیشتر از دادگاه، به بازجویی فنی و ایدئولوژیک شبیه بود. آمریکا که خود را مدعی اصلی دفاع از آزادی بیان و ارتباطات در دنیا می‌داند، با متهم کردن این شبکه به سوءاستفاده از داده‌های کاربران در مسائل امنیتی، اخلاقی و اقتصادی و انتقال اطلاعات به چین، خواهان محدودیت و ممنوعیت فعالیت آن در آمریکا همانند برخی کشورهای غربی دیگر شد. پخش زنده جلسات چندساعته دادگاه در بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی دنیا نشانه اهمیت موضوع بود تا برای این اقدام آمریکا، نزد افکار عمومی مشروعیت ایجاد شود.

آمریکایی‌ها می‌دانند که از انبوه داده‌های ذخیره‌شده در این شبکه‌ها همه‌گونه استفاده سیاسی، اقتصادی و امنیتی به عمل می‌آید و موارد متعددی از دست‌درازی نهادهای مختلف سیاسی و امنیتی در آمریکا به این داده‌ها افشا شده است. درخواست این کشور از شبکه اجتماعی واتساپ برای نظارت بر کاربران چینی و مکزیکی، وجود یک گروه مخفی در توئیتر برای نظارت بر برخی کاربران خاص، محدود کردن دسترسی‌ها به شبکه‌های اجتماعی در موارد متعدد، افشای ارتباط دولت آمریکا با شرکت‌های بزرگ فناوری فیس‌بوک و مایکروسافت و ایجاد هزاران کاربر با هویت جعلی برای نفوذ و برخی اقدامات دیگر (www.citna.ir 9/2/1402) از جمله موارد اعلان شده‌ایی است که نشان می‌دهد، این کشور به شیوه‌های مختلف بر شبکه‌های اجتماعی به‌صورت محرمانه اعمال نفوذ، نظارت و دخالت می‌کند. این واقعیت که امروز صاحبان قدرت و کشورهای بزرگ با همکاری شرکت‌های بزرگ فناوری و با استفاده از هوش مصنوعی و ایجاد سازوکارهای مختلف به سنجش، نظارت و کنترل کاربران و استفاده از داده‌های آن‌ها می‌پردازند، واقعیتی انکارناشدنی است.

هدف این پژوهش در مرحله اول، شناخت این موضوع از نگاه اساتید و کارشناسان جامعه‌شناس و ارتباطات است که جدا از صدها حسن و تأثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی، آیا محیط گفتگو و تفاهم عقلانی، اخلاقی و فرهنگی در این شبکه‌ها به گونه‌ایی که هابرماس^۱ آن را عقلانیت ارتباطی می‌داند حاکم است؟ اگر چنین نیست و اکثر کشورها، تنظیم‌گری و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی دارند، این دخالت‌ها چه تأثیری بر عقلانیت ارتباطی می‌گذارد؟ مبنای نظری پژوهش، جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز^۲ است که به نظر می‌رسد با نگاهی رئالیستی واقعیت موجود بر شبکه‌های اجتماعی را بهتر تبیین و توصیف می‌کند.

برای انجام این پژوهش از روش مصاحبه عمیق با رویکرد گراندد تئوری (نظریه زمینه‌ای) استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده محقق با مطالعات اسنادی با اساتید جامعه‌شناسی و ارتباطاتی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و در نهایت از آن‌ها خواسته شده تا گزاره‌هایی که در مورد عقلانیت ارتباطی و عملکرد غیرعقلانی کاربران در فضای مجازی به نظرشان می‌رسد اعلام کنند. نتایج به‌دست‌آمده از هر مصاحبه دسته‌بندی و سپس به مصاحبه‌شونده بعدی اعلام شده تا گزاره‌های بیشتری به یافته‌ها اضافه کند و در نهایت وقتی مصاحبه‌ها به تکرار و تشابه (حد اشباع) رسید، از ادامه مصاحبه خودداری شده است. با توجه به برتری میزان یافته‌هایی که بر عملکرد غیرمنطبق با عقلانیت ارتباطی در فضای مجازی دلالت داشت گزاره‌های موافق به صورت هدفمند از یافته‌ها حذف شد. نمونه‌گیری مصاحبه‌شوندگان، هدفمند و شامل افرادی بوده که بر اساس خصوصیات یا صفات ویژه، توانائی پاسخ کارشناسانه به موضوعات را داشته‌اند. محقق در فرآیند انجام پژوهش در مجموع با ۱۴ نفر از اساتید دانشگاه و کارشناسان حوزه ارتباطات و اینترنت و فضای مجازی مصاحبه کرده است.

پیشینه پژوهش

سید علوی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان حوزه عمومی در فضای مجازی، به بررسی عوامل مؤثر و مرتبط با شکل‌گیری حوزه عمومی در فضای مجازی از نگاه کارشناسان علوم ارتباطی و سیاسی پرداخته و در آن با توجه به برجسته‌شدن جایگاه حوزه عمومی هابرماس در فضای مجازی به این نتیجه رسیده است که متغیرهای اصلی تشکیل حوزه عمومی در فضای مجازی آماده‌شده و وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی از مصادیق آن

1. Habermas
2. Manuel Castells

هستند. نویسنده به دلیل چندپاره گی، تکثر و گستردگی فضای مجازی، یادآوری کرده که فضای گفتگو در این حوزه هنوز عقلانی نیست. سید علوی در سال ۱۳۹۱ به همراه سیدرضا نقیب‌السادات، چکیده تحقیق انجام گرفته را به شکل مقاله‌ای پژوهشی در فصلنامه علوم اجتماعی به چاپ رسانده است.

عربشاهی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان اینستاگرام به مثابه حوزه عمومی، با روش پیمایش و نمونه‌گیری هدفمند به بررسی این سؤال پرداخته که آیا می‌توان اینستاگرام را همانند حوزه عمومی تلقی کرد، به گونه‌ای که در آن خارج از مؤلفه‌های نفوذ، قدرت و محدودیت‌های دولتی به بحث و تبادل نظر و گفتگوی آزاد پرداخته شود. نویسنده در نهایت نتیجه‌گیری کرده که بین اینستاگرام و حوزه عمومی در خصوص دسترسی و کنش عام، عدم تطابق و گفتگوی عام بین آن‌ها تطابق معنا دار وجود دارد.

حمید عبداللهیان و مهین شیخ‌انصاری (۱۳۹۵) در پژوهشی به مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن کنش ارتباطی هابرماس در فیس‌بوک پرداخته‌اند و در آن، اظهارنظرهای کاربران را در صفحات خصوصی نویسندگان مقاله و ۲۲ صفحه عمومی دیگر، مطالعه و بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که گفتارهای خود افشائی بیشتر در صفحه خصوصی و مبحث و گفتگوها بیشتر در صفحات عمومی انجام می‌پذیرد. همچنین اکثر کاربران در فیس‌بوک به گفت‌وگوی بی‌قیدوبند معتقد بوده و از این جهت امکان شکل‌دهی حوزه عمومی در فیس‌بوک را دارند. آن‌ها همچنین یادآوری کرده‌اند که در موارد متعدد، کاربران به جای استدلال از فحاشی و ناسزا استفاده کرده و از این جهت هنوز عقلانیت ارتباطی لازم برای گفتگو در این حوزه نداشته‌اند.

استندورف^۱ و همکارانش (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان خود افشائی در شبکه‌های اجتماعی فراتر از یک تصمیم عقلانی، به بررسی موضوع خود افشائی به عنوان یک اقدام غیرعقلانی در فضای مجازی پرداخته‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت پیمایشی با پرسشنامه بوده که در آن پژوهشگران، فرآیندهای روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و عاطفی و هنجارهای اجتماعی را مهم‌ترین عوامل این رفتار در شبکه‌های اجتماعی دانسته‌اند. توصیه و راهکار پیشنهادی آن‌ها برای جلوگیری از رفتارهای غیرعقلانی در شبکه‌های اجتماعی و جلوگیری از نقض حریم خصوصی افراد، صدور پیام‌های حاوی هشدار، استفاده از ابزارهای حمایتی، نظارتی و حقوقی دانسته‌اند.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که تحقیق حاضر در ادامه پژوهش

1. Ostendorf

آقای سید مسعود سید علوی قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که پژوهش ایشان به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حوزه عمومی در فضای مجازی اختصاص دارد و به این نتیجه رسیده است که شرایط تشکیل حوزه عمومی در فضای مجازی فراهم‌شده ولی حتی با تشکیل حوزه عمومی در فضای مجازی این سؤال وجود دارد که آیا بر این حوزه تشکیل‌شده، عقلانیت ارتباطی حاکم است. اگر جواب منفی است، چرائی و علت آن می‌تواند بسیار بااهمیت باشد که پژوهش حاضر به بررسی عواملی که مانع تحقق عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی هستند اختصاص دارد. همچنین یادآور می‌شود که هیچ‌کدام از پژوهش‌ها با رویکرد گراند تئوری انجام نشده و مشخصاً به بررسی عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی نپرداخته‌اند.

جامعه شبکه‌ای کاستلز

اصطلاح جامعه شبکه‌ای^۱، جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از ظهور فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش شبکه‌های مجازی را توصیف می‌کند. این اصطلاح در دو دهه اخیر بیشتر بیانگر نظریه دو متفکر جامعه اطلاعاتی، مانوئل کاستلز و یان ون‌دایک^۲ است. این دو از اواخر دهه ۸۰ میلادی این اصطلاح را مبنای نظریه‌هایشان در حوزه مطالعات آثار اجتماعی فناوری اطلاعات و ارتباطات قرار داده‌اند. بیشتر از ون‌دایک، نام کاستلز با جامعه شبکه‌ای همراه شده است، چرا که جایگاه اصلی این اصطلاح در ادبیات جامعه‌شناسی جهانی مدیون ایشان است. برخی کاستلز را جانشین شایسته مارکس و ماکس وبر می‌دانند و کتاب‌هایش را با کتاب‌های مارکس مقایسه می‌کنند (Van dijk, 2007: 1). عده‌ای او را بزرگ‌ترین فیلسوف دنیای مجازی دانسته‌اند که توانسته تفسیری قدرتمند از تحول جامعه سنتی به صنعتی و شبکه‌ای ارائه دهد (Plage, 2008: 4).

جامعه شبکه‌ای که از اواخر قرن بیستم شکل گرفته و فرایندهای انقلاب اطلاعاتی، ارتباطی و فناوری‌ای نوین در آن تأثیر اساسی داشته، در ساده‌ترین تعریف خود یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه‌هاست که بر پایه دانش انباشته شده، از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شامل میکروالکترونیک‌ها^۳ و شبکه‌های کامپیوتری دیجیتال که اطلاعات را تولید، پردازش و توزیع می‌کنند، عمل می‌کند (Castells, 2005: 4-7). کاستلز درجایی دیگر جامعه شبکه‌ایی را جامعه‌ای می‌داند که در آن

1. Network Society
2. Van dijk
3. Microelectronics

ساختارها و فعالیت‌های اصلی، حول شبکه‌هایی که سازمان‌دهی شده‌اند، شکل گرفته و به کمک روش‌ها و ابزارهای الکترونیک اطلاعات را پردازش می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۴۰). از نظر کاستلز، شبکه‌ها همیشه در سازمان بشری وجود داشته‌اند، اما امروزه به قوی‌ترین شکل سازمان‌دهی شده‌اند. کامپیوترها به شبکه‌های مخابراتی متصل شده‌اند و ادارات، بانک‌ها، منازل، فروشگاه‌ها، کارخانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، نیروهای نظامی و انتظامی را به هم وصل کرده‌اند (ظهیری، ۱۳۹۷: ۴۱۵). این شبکه به کمک ماهواره‌ها در تمام نقاط دنیا گسترش یافته و حجم عظیمی از داده‌های فردی، تجاری، اجتماعی و اقتصادی را با سرعت بالا در سراسر جهان جابجا می‌کنند. در شبکه‌ها بجای دستورالعمل‌ها، با تعاملات سروکار داریم و شبکه، از توانایی اداره سطوح بالایی از پیچیدگی بدون آسیب‌رسانی عمده برخوردار است (Castells, 1999: 9).

شبکه‌ها از توانایی پیکربندی مجدد برخوردار بوده و هم‌زمان انسجام اهداف و انعطاف در اجرای آن‌ها، از طریق ظرفیت سازگارسازی محیط عملیاتی، تضمین می‌کنند. انعطاف‌پذیری آن‌ها بدین معنا است که می‌توانند با حفظ اهداف خود پیکربندی و تغییر عناصر تشکیل‌دهنده، مطابق با محیط متغیر به پیکربندی مجدد اقدام کنند و با کمترین خرابی در برابر هرگونه تهاجمی علیه خود و قواعدشان مقاومت کنند. کاستلز معتقد است که انتشار منطق شبکه‌ها در سراسر زمین، در اساس به بهبود عملکرد و نتایج روندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ منجر شده است. به بیان کاستلز در جامعه شبکه‌ای، مفاهیم زمان و مکان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی جهان صنعتی به کلی دگرگون شده است. مکان نیز به نوبه خود با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده و به این اعتبار، حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۷).

کاستلز برای جامعه شبکه‌ای ویژگی‌های زیر را برشمرده است:

۱. اقتصاد اطلاعاتی: که در آن بهره‌وری و رقابت میان شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، مناطق و حوزه‌های اقتصادی کشورها، بیش از هر زمان دیگر به معرفت، دانش، اطلاعات و فناوری لازم برای پردازش این اطلاعات از جمله فناوری مدیریت و مدیریت فناوری متکی شده است.

۲. اقتصاد جهانی: خصلت این اقتصاد چنان است که بخش‌ها، بازارها و افراد غنی

ارزیابی وجود عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

را به یکدیگر متصل می‌سازد و در یک چرخه تولید سود به همکاری وامی دارد و بخش‌ها و بازارها و افراد فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود طرد می‌سازد.

۳. فعالیت‌های شبکه‌ای: این فعالیت‌ها نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که مشخصه فعالیت اقتصاد جهانی به شمار می‌آید.

۴. تحوّل در چگونگی انجام کار و ساختار اشتغال: بر این اساس، کارمندان و کارگران برخلاف گذشته قراردادهای استخدام مادام‌العمر امضاء نمی‌کنند؛ بلکه شیوه‌های خوداشتغالی، کار پاره‌وقت و اشتغال برای دوره موقت، رواج یافته است. در عین حال، نگرانی افراد از آینده شغلی خود و احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده، رشد پیدا کرده است.

۵. ظهور قطب‌های متقابل: فرآیند جهانی‌شدن و شبکه‌ای شدن فعالیت‌های اقتصادی، موجب قوت بخشیدن به تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی نظیر اتحادیه‌های کارگری یا دولت رفاه می‌شود.

۶. فرهنگ واقعیت مجازی: فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها به وسیله واسطه‌های الکترونیک شکل می‌گیرد. این فضای مجازی حاوی اطلاعات متعدد و متنوع به صورت بخشی از واقعیت اجتماعی عصر جدید درمی‌آید و فضای اصلی تعامل‌های معرفتی را کم‌وبیش در اختیار می‌گیرد. ۷. سیاست بر بال رسانه: در فضای مسلط فرهنگی متکی به واقعیت مجازی، بازیگران سیاسی به منظور بقاء و حضور در صحنه و تأثیر بر روند تحولات، ناگزیرند که از رسانه‌های حاصل از نمادهای الکترونیک و به خصوص تلویزیون، به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند.

۸. زمان و فضای جریان‌ها: انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی، جهانی صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۶).

علاوه بر ویژگی‌های ذکر شده، کاستلز به برخی از نتایج شبکه‌ای شدن جامعه با ذکر موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. جامعه شبکه‌ای در مقیاس جهانی گسترش یافته و پایه‌های ساختاری جهانی شدن را شکل داده است. در حالی که شبکه‌ها هیچ مرزی را نمی‌شناسند و در

- مقیاس جهانی سازمان یافته‌اند.
۲. سازمان‌های شبکه‌ای شده، تمامی اشکال سازمان‌های غیرشبکه‌ای و بوروکراسی‌های سلسله‌مراتبی، متصل، دستوری و کنترلی را در عرصه رقابت کنار زده و خود گسترش یافته‌اند.
۳. شبکه‌ای شدن نهادهای سیاسی پاسخ عملی برای مدیریت بحران‌هایی است که دولت-ملت‌ها در یک فضای فوق ملی با آن‌ها روبرو هستند.
۴. جامعه مدنی در سطح محلی و جهانی از طریق شبکه‌ای از فعالیت‌ها سازمان یافته و به‌ویژه با استفاده از اینترنت به مناظره و منازعه می‌پردازند (Castells, 2011: 222-223).

در خصوص سایر ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای از نگاه کاستلز، باید گفت که این جامعه تغییرات گسترده‌ای در رفتار نهادها، سازمان‌ها و زیرساخت‌های زندگی ایجاد کرده و جنبه‌های الکترونیکی سازمان‌ها و دولت گسترش یافته است. دولت‌ها از انحصار سنتی ساختارهای ارتباطی دست برداشته‌اند و بیشتر به تدوین قوانین و مقررات و نظارت می‌پردازند (ظهیری، ۱۳۹۷: ۴۱۶). کاستلز قدرت و سیاست را در جامعه شبکه‌ای به هم پیوند زده و معتقد است که در معادله جدید قدرت، بازیگران رسانه‌ای و صاحبان شبکه‌ها که از منابع برتری برخوردارند، به سیاستمداران فعال و قدرتمند تبدیل می‌شوند، چون آن‌ها هستند که به‌عنوان مالک و مدیر در مورد قالب و محتوای شبکه‌ها تصمیم می‌گیرند (Castells, 2009: 420). علاوه بر سیاست و نهاد قدرت، حضور رسانه‌ها همچنین در سایر جنبه‌های زندگی، مثل فرهنگ، اقتصاد و اجتماع بیشتر شده و هر کسی که رسانه‌ها و جامعه شبکه‌ای را کنترل کند، عملاً می‌تواند تصمیم بگیرد که چه چیزی ارزشمند است (Castells, 2009: 28). به‌صورت خلاصه، جهانی بودن جامعه شبکه‌ای، اقتصاد و فرهنگ شبکه‌ای، دولت و قدرت مبتنی بر شبکه، قطبی‌سازی سیاسی و دیجیتالی از جمله مفاهیم و محورهایی است که کاستلز برای تبیین و توسعه نظریه جهان شبکه‌ای خود به کار گرفته است.

حوزه عمومی^۱ و کنش ارتباطی^۲

هابرماس بر خلاف گرایش‌هایی مثل مارکسیسم ارتدوکسی برای انسان و نقش او در شکل دادن وضعیت اجتماعی اهمیت زیادی قائل است. علاوه بر این، گرایش او در مقابل

۱. public sphere برخی حوزه عمومی را Public domain ترجمه کرده‌اند.

2. Communicative Action

نئولیبرالیسم^۱ و سایر گرایش‌های سیاسی قرن بیستم به‌ویژه در مقابل مدرنیته قرار دارد که بر نظم خودجوش، خودانگیخته و آزادی منفی در مقابل نظارت و ساماندهی دولت تأکید می‌کنند (والی، محمدی، ۱۳۹۰: ۲۶). از نظر هابرماس، حوزه عمومی، فضا و جایگاهی همچون جامعه مدنی، برای ابراز نظر آزادانه، تعاملات گفتمانی و مشارکت و گفتگوی علنی و به‌دور از سلطه و اجبار برای دستیابی به مصلحت عمومی و خیر همگانی است. این حوزه، نهاد، سازمان یا سیستم نیست، بلکه فضایی برای مشارکت و گفتگو جهت پیگیری اهداف ارتباطی و رسیدن به تفاهم است (عبدالهیان و شیخ انصاری، ۱۳۹۵: ۸۸ به نقل از هابرماس). حوزه عمومی قبل از هر چیز، قلمروی از زندگی اجتماعی است که در آن، هر چه که به افکار عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد. از نگاه او صرف تشکیل حوزه عمومی فی‌نفسه هدف و ارزشمند نیست، بلکه ارزش آن به شرایط و ویژگی‌های حوزه عمومی تشکیل شده ارتباط دارد (Habermas, 1989: 73). در این حوزه، زبان محور اصلی برای ایجاد ارتباط و بیان خواسته‌های واقعی است که انسان‌ها آن را برای تفاهم به کار می‌گیرند و در آن، چیزی شبیه افکار عمومی شکل می‌گیرد. شهروندان در حوزه عمومی در مقام افراد اقتصادی یا حرفه‌ای و به‌عنوان نمایندگان حقوقی شرکت‌ها که تابع قواعد و بورکراسی‌های خاصی باشند، نیستند و بدون اجبار و آزادانه افکار خود را بیان می‌کنند (پیوزی، ۱۳۸۴: ۱۸). به‌صورت خلاصه در حوزه عمومی کنش‌های کلامی در مطلوب‌ترین وجه خود نمایان می‌شوند. همچنین با استفاده از آزادی، ابزارهایی همچون فشارهای فردی یا گروهی در آنجایی ندارد و استدلال مبتنی بر تعقل، نقشی تعیین‌کننده در تصمیمات ایفا می‌کند و نقش مستقیم دولت و مؤسسه‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های آن وجود ندارد. از نظر هابرماس، کنش یا عمل ارتباطی با تعامل حداقل دو عامل که قادر به سخن گفتن و برقراری رابطه هستند، عملیاتی می‌شود تا به درک وضعیت عمل و نقشه‌های خودشان برسند و اعمالشان را بر اساس تفاهم، توافق و تعامل منجر به آگاهی انجام بدهند (لسناف، ۱۳۸۵: ۳۶۹). در نظریه کنش ارتباطی تأکید بر آن است تا افراد برای رسیدن به یک درک مشترک، از طریق استدلال، وفاق و همکاری با همدیگر و بهره‌گیری از کلام و گفتگو با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در واقع هابرماس از طریق این نظریه می‌کوشد تا ثابت نماید که منازعات اجتماعی را فارغ از قهر و خشونت می‌توان حل کرد. این کنش در خلاء و جهان انتزاعی شکل نمی‌گیرد، بلکه در جهان واقعی که خاستگاه معانی فرهنگی و هویت اشخاص است انجام می‌شود. کنش ارتباطی که در آن مصالح همگانی و علائق عمومی بر اساس فرهنگ و اخلاق مطرح می‌شود در مقابل

1. neoliberalism

کنش ابزاری یا هدفمند قرار دارد (والی، محمدی، ۱۳۹۰: ۴۴). «هابرماس نظریه کنش ارتباطی خود را بر چهار اساس استوار می‌سازد:

۱. عقلانیت مدرن که بر جهان مادی و دانش تخصصی تکیه دارد؛
۲. عقلانیت فردی و خصوصی که عواطف و احساسات فردی را در نظر می‌گیرد؛
۳. عقلانیت جمعی و مشترک که به توافق اجتماعی نظر دارد؛
۴. عقلانیت بوروکراتیک که نظرات و منویات دولت را پوشش می‌دهد. هدف هابرماس در نظریه کنش ارتباطی، تلفیق این چهار نوع اساسی از عقلانیت است» (ستاری، یزدانی و فرازی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

عقلانیت ارتباطی^۱

عقل نیروی درونی انسانی است که با تشخیص، تدبر و تفکر به کنترل، راهنمایی و رعایت رفتارهای درست و جلوگیری از بدی‌ها کمک می‌کند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۷۳). در تعاریف جدید عقلانیت بر عمل آگاهانه و منطبق با دانش منطقی و تجربی اطلاق می‌شود که افراد، گروه‌ها و جامعه در اندیشه و رفتارهای جمعی به کار می‌بندند (عیوضی، کشیشیان سیرکی، ۱۳۹۰: ۷۳). مفهوم عقلانیت ارتباطی هابرماس در تکمیل و ذیل مباحث ایشان در خصوص حوزه عمومی و کنش ارتباطی بیان شده است. عقلانیت از نظر هابرماس، از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کند و در معنای کلی‌تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند. طی این نوع استدلال، توافق غیرتحمیلی توسعه می‌یابد (ستاری، یزدانی و فرازی، ۱۳۹۶: ۱۲۷). هابرماس سه نوع عقلانیت ابزاری، انتقادی و ارتباطی را از هم تفکیک می‌کند. در عقلانیت ابزاری هدفمندی و تکنیک، در انتقادی رهایی و رسیدن به حقیقت و در عقلانیت ارتباطی فهم مشترک و سازنده مطرح است. او سلطه عقلانیت ابزاری را در جوامع غربی، مخرب و معنادار می‌داند که فعالیت‌های مختلف جامعه را به تفکر و شناخت اثباتی محدود کرده است. بر این اساس او به دنبال بازسازی حوزه عمومی و برچیده شدن دخالت دولت و روابط قدرت از آن است (سمیعی اصفهانی، میرالی، ۱۳۹۳: ۲۴۸). از نظر هابرماس، عقلانیت ارتباطی، افراد را برای رسیدن به اهداف و علایق عمومی کارآمدتر می‌کند. این عقلانیت نجات‌دهنده زندگی از سلطه‌های گوناگون ابزاری و استراتژیک است و حوزه عمومی و اجتماعی با آن از تحریف رهایی یافته و درک ارتباطی و مفاهمه برقرار می‌شود (شفیعی، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

1. Communicative rationality

در عقلانیت ارتباطی، تلاش مداوم برای درک یکدیگر، رسیدن به حقیقت و رهایی بخشی بر مبنای کارکرد اجتماعی زبان مطرح است و باید موانعی که مفاهمه و نظام ارتباطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن را تحریف می‌کند، حذف کرد تا افراد گروه‌ها در موقعیت ترویج افکار و ایده‌هایشان قرار بگیرند (سمیعی اصفهانی، میرالی، ۱۳۹۳: ۲۴۸). برخی مؤلفه‌های عقلانیت ارتباطی از نگاه هابرماس عبارت‌اند از:

۱. عمل کردن بر مبنای ژرف‌اندیشی در مقابل عمل بدون اراده قبلی؛
۲. عمل کردن بر مبنای برنامه مستمر و پایدار؛
۳. کنترل رفتار و گفتار بر اساس اصول عام؛
۴. روشن و واحد بودن معیارها و میزان‌ها در مقابل معیارهای مبهم عرفی؛
۵. تمایل به سازمان‌دهی و تحقق اهداف از طریق فکر به جای احساسات و عواطف؛
۶. آزاد و اختیاری بودن ارتباط (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۹۲).

عقلانیت ارتباطی همچنین متضمن ارائه گفتار بانگیزه‌ها و شاخص‌های عقلانی، برابری در گفتگو، فقدان اجبار ناشی از سلطه و برتری، دسترسی همگان به اطلاعات و داشتن منطق انتقادی است که با شکل دادن به افکار عمومی در موضوعات مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند راهگشا باشد (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

شبکه‌های اجتماعی

شبکه اجتماعی^۱ محیط‌هایی غیرمادی با فناوری‌های جدید ارتباطی (کاستلز، ۱۳۸۴: ۴۷) که توسط رایانه‌ها و دستگاه‌های الکترونیکی دیگر مثل تلفن، تبلت و لپ‌تاپ با انواع عناصر ارتباطی مثل ایمیل، پیام و گفتگو به صورت شنیداری، دیداری و مکتوب یا با ترکیبی از آن‌ها (چند رسانه‌ای)^۲ ایجاد شده و در آن افراد به تبادل و تعامل اطلاعاتی و خبری می‌پردازند. در این محیط‌های مجازی بدون در نظر گرفتن فضا و محدودیت‌های جغرافیایی، افراد به وسیله دستگاه‌های ارتباطی از راه دور به هم پیوسته و باهم ارتباط، تبادل و تجمیع اطلاعات دارند. این فضا اکنون تبدیل به بخشی از زندگی مردم شده (Bargh, 2004: 573)، مرزهای سیاسی و جغرافیایی را درهم شکسته و بر تمام ابعاد زندگی بشر تأثیرگذار شده است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷). به‌طور مشخص، شبکه‌های اجتماعی، وب‌سایت‌هایی هستند که امکان حضور آنلاین و آفلاین با قابلیت‌های مختلف برقراری ارتباط با رسانه‌های شخصی دیگران را دارند. مخاطبان،

1. social network
2. Multimedia
3. Interactive

مأموریت‌ها و اهداف، ویژگی‌های و کاربردها، دستورالعمل‌های برقراری ارتباط، امنیت و روزآمدی شبکه‌های اجتماعی با هم تفاوت‌هایی دارد که دسترسی آسان، قابلیت اتصال با دستگاه‌های مختلف، استفاده روزآمد از فناوری‌های نوین، تعاملی و اشتراکی بودنشان به همگانی شدن و گسترده‌گی استفاده از آنها منجر شده است. در این شبکه‌ها کاربران اجازه ساخت پروفایل عمومی و نیمه عمومی دارند و علاوه بر بارگذاری تصویر، فیلم و متن می‌توانند لیست پیوندها و کسانی که در آن عضو شده‌اند را ببینند (Boyd & El-lison, 2007). وجود سلايق مختلف در گفتگوهای بين شبکه‌های اجتماعی، عادلانه و برابر بودن گفتگوها، دوسويه و چند سويه بودن و امکان گرفتن بازخورد به همراه مشارکتی و تعاملی بودن، این شبکه‌ها را در خصوصیات به حوزه عمومی هابرماس نزدیک کرده است، هر چند بين آنها تفاوت‌های ماهوی و عملکردی زیادی وجود دارد.

در شبکه‌های اجتماعی، همچنین، مجموعه‌ای از سوءاستفاده‌ها از طریق رایانه و سایر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی انجام شده که با توجه به گستره فناوری اطلاعاتی و رشد سریع و مستمر فناوری، طیف گسترده‌ای را شامل شده که با سرعت عملیاتی شده و به مهم‌ترین تهدید و آسیب اجتماعی تبدیل شده که موجب ناامنی در بسیاری از جوامع از جمله کشور ایران شده است (کاهدی و شرفی تبار، ۱۳۹۵: ۸۵).

یافته‌های پژوهش

مانوئل کاستلز با نظریه‌ای جامع شبکه‌ای، با نگاهی واقعی و رئالیستی به تبیین و توصیف جهان کنونی پرداخته و آثار و تبعات شبکه‌ای شدن جهان را به همه ابعاد زندگی تسری داده است. بنا به دیدگاه او، منبع قدرت، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی دچار تغییرات اساسی شده است. در جهان شبکه‌ای شده، شبکه‌های اجتماعی نقش قدرتمند و مؤثری دارند که در پژوهش‌های متعددی این شبکه‌ها را با حوزه عمومی یورگن هابرماس مقایسه کرده‌اند (سیدعلوی، ۱۳۹۰، عربشاهی، ۱۳۹۸، عبداللهیان و شیخ انصاری، ۱۳۹۵). به فرض شباهت شبکه‌های اجتماعی به حوزه عمومی مدنظر هابرماس و مهیا بودن مقدمات تشکیل حوزه عمومی با شبکه‌های اجتماعی، سؤال اساسی این است که آیا بر این شبکه‌ها، عقلانیت ارتباطی آن‌گونه که مدنظر هابرماس بود، حاکمیت دارد؟ در این پژوهش با مراجعه به کارشناسان و اساتید جامعه‌شناس و رشته ارتباطات، دیدگاه‌های آنها با مصاحبه عمیق و رویکرد گراندد تئوری، جمع‌بندی که نتایج به شرح زیر است.

۱. یادآور می‌شود که برخی گزاره‌ها، وجود عقلانیت در برخی گفتگوهای شبکه‌های اجتماعی را تایید می‌کرد ولی چون به معنی حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی نبود به صورت هدفمند از آنها در یافته‌ها پرهیز شده است.

ارزیابی وجود عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

کد گذاری محوری	کد گذاری گزینشی	کد گذاری باز
	تنظیم‌گری دولت‌ها در شبکه‌های اجتماعی	اکثر کشورها نهادها، قوانین و مقررات مختلفی برای تنظیم‌گری و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی وضع کرده‌اند. ایجاد محدودیت، فیلترینگ و حذف کاربرها از شبکه‌های اجتماعی، دادن تذکر، هشدار و پیگیری مطالب منتشرشده در آن‌ها توسط نهادهای مسئول امری معمولی است؛ و این نشانه وجود رفتارهای ناهنجار یا مطالب خلاف امنیت و مصالح ملی است. حفاظت از داده‌ها، کنترل داده‌ها و اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی و فقدان آزادی کامل در آن‌ها وجود دارد. دولت‌ها معمولاً به اطلاعات و داده‌های شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند.
	وجود شایعه، اخبار جعلی و هویت‌های ناشناس	اخبار جعلی، شایعه و کاربرهای فاقد هویت در شبکه‌های اجتماعی امری عادی است. وجود افشاگری و جاسوسی در شبکه‌های مجازی امری عادی است. طرح مطالبات کاذب و دست‌نیافتنی.
فقدان حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی	موارد متعدد سوءاستفاده از شبکه‌های اجتماعی	مطالب و محتواهای متعددی درباره خودکشی، مواد مخدر، مباحث غیراخلاقی و خود افشائی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. شبکه‌های تروریستی مثل داعش از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کرده‌اند. تشکیل گروه‌های قمار و شرط‌بند، سلبریتی سازی و کلاهبرداری بعضی از کارکردهای منفی شبکه‌های اجتماعی است.
	دخالت‌های دولت‌ها و نهاد قدرت	محدودیت، ممنوعیت و جلوگیری از فعالیت شبکه اجتماعی تیک‌تاک چینی در آمریکا دلیلی بر دخالت دولت‌ها در شبکه‌های اجتماعی است. شبکه تیک‌تاک در بیشتر کشورهای غربی محدود شده است. افشای اقدامات خلاف آزادی شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و واتساپ و درخواست‌های مغایر با آزادی توسط آمریکا برای دسترسی به داده‌های کاربران. حضور افراد از سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی امری تأیید شده است. کدهای رمز گفتگوهای شبکه‌ها در موارد حساس توسط دولت‌ها رمزگشایی یا توسط مالکین شبکه در مقابل گرفتن امتیاز به آن‌ها داده شده است. استفاده از هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای خاص توسط کشورها برای نظارت بر شبکه‌های اجتماعی دلیل بر دخالت دولت‌ها در این شبکه‌هاست.

کد گذاری محوری	کد گذاری گزینشی	کد گذاری باز
	غیرمسئولانه بودن برخی گفت‌وگوها در شبکه‌های اجتماعی	شبکه‌های اجتماعی در شرایط حساس و بحرانی منافع ملی کشورها را در نظر نمی‌گیرند. استفاده از شبکه‌های اجتماعی توسط کشورها علیه هم وجود دارد. این شبکه‌ها برای امنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها چالش و دغدغه ایجاد می‌کنند. در حوادث اجتماعی و نارضایتی‌های مردمی، عملکرد شبکه‌های اجتماعی غیرمسئولانه و مطابق با منافع ملی نبوده. غلبه رویکردهای احساسی، هیجانی و حاشیه‌ایی به جای عقلانیت در برخی شبکه‌ها وجود دارد. بحران‌زایی و نقش‌آفرینی سازمان‌های اطلاعاتی دشمن با گفتگوهای ساختگی و جاسوسی از این شبکه‌ها تأیید شده است.
فقدان حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی	استفاده از شیوه‌های غیرعقلانی	گفتگوها در شبکه‌های اجتماعی و شیوه‌های اقناع دائماً با استدلال و به‌کارگیری شیوه‌های عقلانی نیست. شبکه‌های اجتماعی در ایام انتخابات به‌جای عقلانیت عمدتاً رویکرد پوپولیستی داشته‌اند. وجود تنش، برخوردهای عاطفی، احساسی و هیجانی نشانه فاصله گفتگو در آن‌ها با عقلانیت ارتباطی است. به‌کارگیری برخوردهای کنایه‌آمیز و متلک، موارد ناروا و زننده در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.
	عدم رعایت مرزبندی حریم‌های خصوصی با عمومی	مرزبندی بین حریم خصوصی و عمومی در بسیاری مواقع در شبکه‌های اجتماعی رعایت نمی‌شود. وجود مطالب مربوط به زندگی خصوصی افراد، پخش تصاویر و روابط خصوصی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.
	تحمیل عقیده	به‌جای پذیرش دیدگاه‌های مخالف و مفاهیم، شیوه‌های تحمیل عقیده و نظرهای خاص در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود. چند پارگی فرهنگی و وجود افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی و تعصب‌های بی‌منطق در شبکه‌های اجتماعی همچنین بحران‌زایی و تهدید اشخاص حقیقی و حقوقی امری تأیید شده است.
	نارضایتی از گفتگو	میزان عذرخواهی و پوزش در شبکه‌های اجتماعی نشانگر برخوردهای غیرمنطقی و غیرعقلانی در شبکه‌های اجتماعی است. میزان ترک و خروج افراد از گروه‌های تشکیل شده در شبکه‌های اجتماعی نشانه نارضایتی از وضعیت و چگونگی فعالیت در آن‌ها زیاد است.

ارزیابی وجود عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی	کدگذاری باز
فقدان حاکمیت عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی	استفاده ابزاری و هدفمند	استفاده ابزاری، هدفمند، تحریک‌کننده و هیجانی که دیگران را وادار به رفتارها و گفتار غیرعقلانی کنند، در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. استفاده از فن‌های جنگ روانی در شبکه‌های اجتماعی وجود داشته است. وجود تصویرسازی‌ها و بازنمایی‌های غیرواقعی در شبکه‌های مجازی و در برخی مواقع گفت‌وگوکنندگان درصدد تبلیغ، مدگرایی و موارد مشابه هستند.
	توهین و عدم رعایت هنجارها	توهین و حمله به حریم خصوصی افراد، عدم رعایت هنجارهای تعاملی گفتگو، پخش اطلاعات و اخبار ساختگی، فریبنده و مغشوش یا گفتگوهای صوری در شبکه‌های اجتماعی امری تأیید شده است.
	مبهم، ناشناخته و جعلی بودن هویت برخی طرف‌های گفت‌وگو	ناشناخته بودن برخی کاربران و فعالان در شبکه‌های اجتماعی نشانه عدم اعتماد است. در برخی موارد شما نمی‌دانید در شبکه اجتماعی با چه کسی گفتگو می‌کنید. تأثیرگذاری رسانه‌ایی، تبلیغاتی و گرایش‌های جهت‌دار در گفتگوهای شبکه‌های اجتماعی بالاست. وجود سیاست زدگی و قطبی‌گرایی و بازی همه‌پایه‌یچ در تعاملات گفتگویی شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.

محور اصلی این پژوهش بررسی وجود یا عدم عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بود که اساتید و نخبگان شرکت‌کننده در مصاحبه، موارد و مصادیقی در خصوص فقدان عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بیان کردند. بر اساس یافته‌ها، اکثر کشورها، نهادها، قوانین و مقررات مختلفی برای تنظیم‌گری و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی وضع کرده‌اند. بر همین مبنای ایجاد محدودیت، فیلترینگ و حذف کاربرها از شبکه‌های اجتماعی، دادن تذکر، هشدار و پیگیری مطالب منتشر شده در آن‌ها توسط نهادهای مسئول امری معمولی است و این نشانه وجود رفتارهای ناهنجار یا مطالب خلاف امنیت و مصالح ملی است. دولت‌ها معمولاً برای کنترل و نظارت بیشتر بر شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند، به اطلاعات و داده‌های آن‌ها دسترسی پیدا کنند، چون اخبار جعلی، شایعه و کاربرهای نبود هویت در شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذاری غیرقابل‌انکاری دارند.

طرح مطالبات کاذب و دست‌نیافتنی، وجود محتواهای متعدد درباره ناهنجاری‌هایی مثل خودکشی، مواد مخدر، مباحث غیراخلاقی و خود افشائی در شبکه‌های اجتماعی از مصادیق

کنش‌های ارتباطی غیر عقلانی در شبکه‌های اجتماعی است. همچنین استفاده گروه‌های تروریستی مثل داعش از شبکه‌های اجتماعی، تشکیل گروه‌های قمار و شرط‌بندی، سلبریتی‌سازی و کلاهبرداری برخی دیگر از کارکردهای منفی شبکه‌های اجتماعی است. اینکه دولت آمریکا به ایجاد محدودیت، ممنوعیت و جلوگیری از فعالیت شبکه اجتماعی تیک‌تاک چینی به بهانه تأثیرگذاری‌های منفی پرداخته است، به یک معنا تأییدکننده وجود کنش‌های غیر عقلانی در آن است. افشای اقدامات خلاف آزادی شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و واتساپ و درخواست‌های مغایر با آزادی کاربران در این شبکه‌ها، توسط دولت آمریکا برای دسترسی به داده‌های کاربران، حضور افرادی از سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی، نشان می‌دهد که وجود آزادی و عدم دخالت نهاد قدرت که شرط لازم وجود عقلانیت ارتباطی است در این شبکه‌ها وجود ندارد.

این شبکه‌ها برای امنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها چالش و دغدغه ایجاد می‌کنند. در حوادث اجتماعی و نارضایتی‌های مردمی، عملکرد شبکه‌های اجتماعی غیرمسئولانه و مطابق با منافع ملی نبوده است. همچنین غلبه رویکردهای احساسی، هیجانی و حاشیه‌ایی به جای عقلانیت، بحران‌زایی و نقش‌آفرینی سازمان‌های اطلاعاتی دشمن با گفتگوهای ساختگی و جاسوسی از این شبکه‌ها از موارد دیگری بوده است که مصاحبه‌شوندگان به آن‌ها اشاره کرده‌اند. گفتگوها در شبکه‌های اجتماعی و شیوه‌های اقناع دائماً با استدلال و به‌کارگیری شیوه‌های عقلانی نیست. شبکه‌های اجتماعی در ایام انتخابات به جای عقلانیت عمدتاً رویکرد پوپولیستی دارند. وجود تنش، برخورد‌های عاطفی، احساسی و هیجانی نشانه فاصله گرفتن گفتگو در شبکه‌های اجتماعی با عقلانیت ارتباطی است. به‌کارگیری برخورد‌های کنایه‌آمیز و متلک، موارد ناروا و زننده در شبکه‌های اجتماعی مرزبندی بین حریم خصوصی و عمومی در بسیاری مواقع در شبکه‌های اجتماعی رعایت نمی‌شود و مطالب مربوط به زندگی خصوصی افراد، پخش تصاویر و روابط خصوصی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد.

چند پارگی فرهنگی و وجود افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی و تعصب‌های بی‌منطق در شبکه‌های اجتماعی امری تأیید شده است. بحران‌زایی و تهدید اشخاص حقیقی و حقوقی، استفاده ابزاری، هدفمند، تحریک‌کننده، استفاده از فن‌های جنگ روانی، وجود تصویرسازی‌ها و بازنمایی‌های غیرواقعی، تبلیغ، مدگرایی و موارد مشابه، توهین و حمله به حریم خصوصی افراد، عدم رعایت هنجارهای تعاملی گفتگو، پخش اطلاعات و اخبار ساختگی، فریبنده و مغشوش یا گفتگوهای صوری، ناشناخته بودن برخی کاربران

و فعالین در شبکه‌های اجتماعی که نشانه عدم اعتماد است، تأثیرگذاری رسانه‌ای، تبلیغاتی و گرایش‌های جهت‌دار در گفت‌وگوهای شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌زدگی و قطب‌گرایی و بازی همه‌یاهیچ تماماً، موارد، مصداق و شواهدی از فقدان عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی است.

دیدگاه فقدان عقلانیت در شبکه‌های اجتماعی، همسو با اظهارنظرها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران این حوزه است. مانوئل کاستلز در جامعه شبکه‌ای می‌گوید، شبکه‌ها همیشه خارق‌العاده و کارآمد نیستند؛ گاهی مخرب و کارشان بستگی به برنامه‌ریزی دارد و ارزش‌هایشان به نفع برنامه‌ریزانی است که آن‌ها را طراحی می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۴۸). گاهی افراد به این شبکه‌ها واکنش منفی نشان می‌دهند، یعنی مواد مخدر تولید و شبکه تولید و توزیع کوکائین تشکیل می‌دهند، یا به قاچاق زنان و کودکان در آن می‌پردازند. شبکه‌ها می‌توانند هم‌زیستی را به خطر بیندازند و ابزارمندی آن‌ها می‌تواند دنیا را به خطر بیندازد (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۵۰). به نظر او برخلاف آنچه مک‌لوهان گفته بود، انسان‌ها به‌جای دهکده جهانی، اکنون در کلبه‌های مجازی زندگی می‌کنند و اینترنت به همان اندازه که آزادی ایجاد می‌کند، می‌تواند انسان‌ها را به حاشیه براند و جامعه مدنی را تضعیف کند (کاستلز، ۱۳۸۳: ۴۵۷). به نظر می‌رسد این واقع‌بینی تطابق بیشتری با یافته‌های این پژوهش تا عقلانیت ارتباطی هابرماس داشته باشد. دخالت نهادهای قدرت و دولت‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی در شبکه‌های مجازی امری تأیید شده است. سیستم جاسوسی اشلون^۱ که توسط آمریکا و کشورهای اروپایی راه‌اندازی شده، هدفش ردیابی هر نوع مکالمه یا ارتباط اینترنتی و مخابراتی با بکارگیری صدها ماهواره قوی بوده است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۰).

بحث و نتیجه‌گیری

گفتگوی آزاد، منطقی، استدلالی، آگاهانه با معیارهای روشن، به دور از هیجان و احساسات و فارغ از عوامل سلطه، نفوذ و قدرت دولت، برای رسیدن به تفاهم، آزادی و رهایی، از اصلی‌ترین ملاک‌های عقلانیت ارتباطی در حوزه عمومی مدنظر یورگن هابرماس است که بر مبنای یافته‌های این پژوهش، حضور قدرت‌ها و حاکمیت و نظارت تأثیرگذاری آن‌ها بر گفتگوهای شبکه‌های اجتماعی، عقلانیت ذکر شده را در ارتباطات شبکه‌های اجتماعی تأیید نمی‌کند. موارد نقیض عقلانیت ارتباطی که بر فقدان مؤلفه‌های آن در شبکه‌های اجتماعی دلالت دارد، از موارد تأیید

1. Echelon System

شده و یافته‌های این پژوهش است که مصاحبه‌شوندگان به موارد متعددی از آن‌ها اشاره کرده‌اند. مواردی از قبیل، ایجاد دسترسی، محدودیت و نظارت بر شبکه‌های اجتماعی توسط دولت‌ها، استفاده از هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای نظارتی برای کنترل این حوزه، وجود اخبار جعلی، فریبکارانه و شایعه، جاسوسی و کاربرهای فاقد هویت یا با هویت جعلی در شبکه‌های اجتماعی، استفاده تروریست‌ها و کلاهبرداران از شبکه‌های اجتماعی، تشویق به خودکشی، ناامنی، بحران‌زایی و ناهنجاری‌های اخلاقی، رویکردهای احساسی، هیجانی، حاشیه‌ایی و پوپولیستی به جای استدلال‌های منطقی، به‌کارگیری الفاظ کنایه‌آمیز، مبهم، ناروا و گاه رکیک، عدم رعایت حریم خصوصی افراد، افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی، تعصب‌های قبیله‌ایی و قومی، استفاده از فن‌های جنگ روانی و تبلیغاتی، سیاست‌زدگی، قطبی‌گرایی و استفاده‌های ابزاری که تماماً معارض با مؤلفه‌های عقلانیت ارتباطی هابرماس است در شبکه‌های اجتماعی وجود داشته و مورد تأیید کارشناسان و اساتید قرار گرفته است. همچنین یافته‌های این پژوهش با بیشتر تحقیق‌هایی که درباره تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر جنبه‌های مختلف زندگی انجام شده، همخوانی و همسوئی دارد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله علیرضا قاضی‌زاده (۱۳۹۰) با عنوان تأثیر جامعه شبکه‌ای بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی اشاره کرد که در آن به حضور نهادها و سازمان‌های اطلاعاتی در شبکه‌های مجازی و چگونگی جمع‌آوری اطلاعات باز از این شبکه و تأثیر و تأثر بین آن‌ها پرداخته است. همچنین صمد ظهیری (۱۳۹۷) به بررسی جامعه شبکه‌ای و تروریسم مجازی و محمد رحیمی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات در خانواده‌ها و صمد رسول‌زاده اقدم (۱۳۹۵) به رابطه شبکه اجتماعی فیس‌بوک با مدگرایی در شهر تبریز پرداخته که بین نتایج این تحقیقات با پژوهش پیش‌رو همخوانی وجود دارد.

منابع و مأخذ

- انصاری، ابراهیم، کیانپور، مسعود و عطایی، پری (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر فرهنگ شفاهی (مورد مطالعه: شهر اصفهان). فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۱)، ۴۰-۱۸.
doi: 10.22108/JAS.2018.75172.0.
- پیوزی، مایکل (۱۳۸۴). *یورگن هابرماس*، (ترجمه احمد تدین). تهران: نشر هرمس.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). *نظریه عدالت از نگاه امام خمینی، فارابی و شهید صدر*. تهران: نشر عروج.
- سایت سیتنا به آدرس، www.citna.ir، کد مطلب: ۲۷۸۸۴۱ - ۱۴۰۲/۲/۹.
- ستاری، علی، یزدانی، فاطمه و فرازی، عباس (۱۳۹۶). بررسی کنش ارتباطی هابرماس و دلالت‌های آن در آموزش عالی ایران. *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۲۴(۱)، ۱۵۰-۱۲۱.
doi: 10.22055/EDU.2017.17233.1749
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و میرالی، سجاد (۱۳۹۳). دموکراسی رایزنانه، جنبش‌های اجتماعی و حوزه عمومی جهانی با تأکید بر نظریه عقلانیت ارتباطی هابرماس. *فصلنامه سیاست*، ۴۴(۲)، ۴۶۱-۴۴۷.
doi: 10.22059/jpq.2014.52401
- سید علوی، سید مسعود (۱۳۹۰). *حوزه عمومی در فضای مجازی*. پایان‌نامه دکتری، رشته ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شفیعی، محمود (۱۳۹۴). *عقلانیت شیعی و عقلانیت ارتباطی*، تأملی در نتایج سیاسی. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۰(۲)، ۱۴۴-۱۱۳.
Doi: 20.1001.1.1735790.1394.10.2.4.7
- عبداللهیان، حمید، شیخ انصاری، مهین (۱۳۹۵). مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن کنش ارتباطی هابرماس در فیس‌بوک. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۷(۳)، ۸۷-۱۱۶.
doi: JR_SOST-7-3_005
- عربشاهی، مجید (۱۳۹۸). *اینستاگرام به مثابه حوزه عمومی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در علوم اجتماعی، تهران: موسسه آموزش عالی سبز.
- عیوضی، محمدرحیم و کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۳۹۰). تبیین مسئله عقلانیت ابزاری، ارتباطی و دینی از نگاه امام خمینی و یورگن هابرماس. *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، ۷(۲۵)، ۷۱-۸۸.
doi: 20.1001.1.20089481.1390.7.25.4.3
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۰). *تأثیر جامعه‌ای شبکه‌ای بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی*، فصلنامه مطالعات راهبردی،
doi: 20.1001.1.17350727.1390.14.53.2.8_۳۵-۶۸، (۳) ۱۴
- ظهیری، صمد (۱۳۹۷). *جامعه شبکه‌ای و تروریسم مجازی*. فصلنامه سیاست، ۴۸(۲)، ۴۳۱-۴۱۳.
doi: 10.22059/JPQ.2018.250077.1007209
- کاستلز، مانوئل و اینس، مارتین (۱۳۸۴). *گفتگو با مانوئل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۳). جامعه شبکه‌ای و هویت جدید، (مصاحبه)، فصلنامه مجلس و پژوهش، ۱۱ (۴۳)، ۴۵۸-۴۳۱.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کاهدی، شهربانو و شرفی تبار، بهنام. (۱۱۸۵). جایگاه پلیس فتا در پیشگیری از جرم در فضای مجازی. فصلنامه دانش انتظامی پلیس استان مرکزی، ۱۳۹۵ (۱۳)، ۱۱۴-۸۳.
- سناف، مایکل، اچ (۱۳۸۵). فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی.
- موثق سیجانی، مریم (۱۳۹۲). حوزه عمومی در فضای مجازی و مقایسه آن با فضای غیرمجازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم: دانشکده حقوق، تابستان ۱۳۹۲.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). بازخوانی هابرماس، تهران: نشر چشمه.
- والی، عباس و محمدی، محمدکریم. (۱۳۹۰). سیاست به مثابه عقلانیت ارتباطی، فصلنامه علوم سیاسی، (۱۴)، ۵۹-۲۵.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.

Bargh, J. A. & McKenna, K. Y. A. (2004). *The Internet and social life. Annual Review of Psychology*, 55, 573-590

Boyd, D. m. & Ellison, N. B., (2007). *Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship*. Journal of Computer-Mediated Communication, 13, 210-230. <http://jcmc.indiana.edu/vol13/issue1>

Castells, M. (2005). *The Network Society: From Knowledge to Policy*, in: M. Castells, and G. Cardoso. Washington DC: J. Hopkins, Centre for Transatlantic Relations.

Castells, M. (1999). *Information Technology, Globalization and Social Development*. United Nations Research Institute for Social Development, Discussion Paper, 114.

Castells, M... (2009). *Communication Power*. Oxford, New York: Oxford University Press.

Castells, M. (2011). *A Network Theory of Power*. Available at: <http://ascnetworksnetwork.org/wp-content/uploads/2010/02/IJoC-NetworkTheory-2011-Castells>.

Habermas, Jurgen. (1989). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into Category of Bourgeois Society*, Cambridge: Polity Press.

McKnight, D. H. & Chervany N. L. (2006). *Reflections on an initial trust-building model*. Handbook of trust research, 29-51.

Ostendorf, S., Meier, Y., & Brand, M. (2022). *Self-disclosure on social networks: More than a rational decision-making process*. Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace, 16(4), Article 2.

<https://doi.org/10.5817/CP2022-4-2>

ارزیابی وجود عقلانیت ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز

- Peltola, J. (2006). *The Place of Politics in Manuel Castell's Network Society*. Available at: <http://www.edemocracy.uta.fi/eng/haefile.php>, (accessed on 2014, November 16).
- Plage, S. (2008-2009). *Mass Communication, Information Technology and Social Exclusion in Contemporary Society*. Available at: https://www.essex.ac.uk/sociology/documents/pdf/graduate_journal/2008_2009/plage.284 (accessed on 2014, November 16).
- Van Dijk, J. A.G.M. (2007). *The One-dimensional Network Society of Manuel Castells*. Available at: <http://www.thechronicle.demon.co.uk/archive/castells.htm>, (accessed on 2015, January 12).